



الزامات آموزشی فقه نظام ساز درگفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین حمید درایتی

تحول در کلام و اصول؛ پیش نیاز تحول در فقه



استاد حمید درایتی در مشهد و قم تحصیل کرده و در کنار تحصیل، به حفظ قرآن و نهج البلاغه نیز اهتمام داشته؛ تا جایی که سال‌ها داوری مسابقات بین‌المللی حفظ قرآن کریم را نیز بر عهده داشته است. با این مدرس خارج فقه و اصول درباره نظام‌سازی و الزامات آموزشی فقه نظام‌ساز به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

آیا فقه موجود برای حوزه‌ای که می‌خواهد به نیازهای جامعه اسلامی پاسخ دهد کافی است؟

پرواضح است که حکومت اسلامی باید پشتوانه فکری و فقهی داشته باشد و فقه سیاسی از این نظر بسیار اهمیت دارد و پرداختن به آن برای نظام اسلامی یک ضرورت است. اما فقه و دانش‌های وابسته به آن در حقیقت دو بخش عمده دارد و دو هدف را تأمین می‌کند:

بخش اول عبارت است از طراحی یک منطق برای فهم و اکتشاف احکام از منابع دینی که تنظیم و طراحی این منطق، ناظر به روش و کیفیت و قواعدی است که به وسیله آن‌ها هر موضوعی را می‌شود از دین استخراج و اکتشاف کرد. با وجود این منطق، موضوع و مسئله‌ای که به دنبال اکتشاف حکم آن هستید خیلی مهم نیست؛ بلکه روش‌مندی و قاعده‌مندی استخراج و اکتشاف مطالب از دین اهمیت دارد که در فقه سنتی ما به خوبی به این مهم پرداخته شده است. مباحث بسیار خوبی در اصول، قواعد فقه و خود فقه داریم و به سازو کار استخراج احکام شرعی و مستندسازی فقه و ضابطه‌مند کردن آن پرداخته شده

است. پس در این بخش، تفاوتی ندارد که مسئله مورد نظر، فقه اقتصادی یا سیاسی یا خانواده یا جزایا دیگر مسائل باشد.

اما بخش دوم عبارت است از آن چیزی که بر اساس آن سازو کار و منطق، تولید شده است و به مسائلی اختصاص دارد که بر اساس آن منطق از دین اکتشاف و استخراج شده است. این مسائل ممکن است رو به تزاید باشد؛ یعنی در دوره‌هایی مسائلی برای جامعه مطرح نبوده و در فقه به آن پرداخته نشده است و بعدها مسائلی مطرح و به آن پرداخته می‌شود. طبع قضیه این است که هر عصری اقتضات و مسائلی دارد که طبیعتاً فقه نیز به آن‌ها می‌پردازد و احکام آن را استخراج می‌کند.

بنابراین ما برای فقه سیاسی به نظام جدیدی نیاز نداریم، بلکه به فرآورده‌های جدید فقهی نیاز داریم؛ چرا که دستگاه فقه در همه مسائل پاسخ‌گوست و مسائل جدید باید بر اساس همان منطق به منابع دین عرضه و حکم آن استخراج شود.

عده‌ای معتقدند موضوعاتی که

تاکنون در فقه بحث می‌شده، موضوعاتی بسط بوده و نگاهی فردی به انسان داشته است؛ اما موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، پیوستگی عمیقی به یکدیگر دارد و نوعی نگاه اجتماعی را می‌طلبد. چطور می‌شود این نگاه را در فقه حاکم کرد؟

به نظر من این گونه نیست که فقه ما صرفاً نگاه فردی داشته باشد؛ بخشی از مباحث فقهی سنتی، دقیقاً اجتماعی است. تمام مباحثی که در ارتباط انسان با دیگر مخلوقات مطرح است، عقود و ایقاعات و دیگر معاملات، مباحث اجتماعی هستند.

اما از نظر مباحث خرد و کلان درست است؛ طبیعی است با توجه به این که ما حکومت مبتنی بر فقه نداشتیم، به شکل کلان به این مسائل نگاه نمی‌کردیم و در حقیقت به کیفیت اجرا و تحقق این مباحث در سطح کلان خیلی نظر نداشتیم؛ یعنی در عملیاتی کردن این‌ها به صورت کلان در سطح اجتماع و تبدیل آن به قانون کار نشده بود که در فقه باید روی آن کار شود.

کارکرد فقه در عرصه نظام‌سازی چیست؟

تدوین قوانین جامع عرصه‌های مختلف اجتماعی، با توجه به مبادی و مبانی و قواعد آن، با اکتشاف قانون‌های متفرقه و پراکنده تفاوت دارد. در نظام‌سازی به دور رکن نیاز داریم؛ یکی شناسایی تمام مسائل و موضوعات یک حوزه و دیگری اکتشاف حکم آن از منابع که

مجموعه این اتفاق‌ها نظام‌سازی است. تفاوت نظام‌سازی با رویه‌های گذشته در همین نکته است که استخراج احکام تاکنون با این نگاه نبوده است که تمام مسائل و موضوعات در سطح کلان و به شکل عملیاتی شناسایی شود؛ اما در نظام‌سازی همه این اتفاقات باید انجام بگیرد.

آیا جمع جبری این مسائل و موضوعات، با فرض کامل بودن، همان نظام‌سازی است؟ یا مستلزم وجود روح واحد و حاکمی بر مسائل است؟

باید مجموع پاسخ‌های ما به موضوعات و خرده‌مسائل، تأمین‌کننده اهداف کلی شریعت باشد و همین هدف، روح حاکم بر این احکام خواهد بود. فرض کنید عدالت، به عنوان روح حاکم بر نظام اقتصادی است و این خرده‌مسائل، باید عدالت را تأمین کند؛ در این صورت اگر در بخش‌هایی احساس کردیم احکام استخراج شده با عدالت تعریف شده در دین سازگاری ندارد، باید روش استخراج آن حکم را بررسی کرد. در نظام‌سازی همیشه باید احساس کنیم که احکام مستخرجه اجزای یک کل هستند که یک سیستم است و هدفی را دنبال می‌کند و به دنبال اثربخشی است. هر کدام از اجزا مستقل از دیگری اثر نهایی را ندارد؛ بلکه در هماهنگی و انطباق با یکدیگر، به دنبال تحقق هدفی کلی هستند. بنابراین نظام‌سازی، نگاه کلی به مسائلی است که در ارتباط و تعامل با یکدیگرند.